دولت زمينه ساز

مسعود پور سيد آقايي

قال رسول الله(ص): يخرج ناس من المشرق فيوطّئون للمهدي يعني سلطانه.[1]

[عن اميرالمؤمنين(ع)] : ثمّ تخرج [راية] من خراسان ... يهزمون اصحاب

السفياني حتي ينزل بيت المقدّس توطيء للمهدي سلطانه.[2]

جامعه مهدوي، افق آينده انقلاب ماست و دولت ما، دولت زمينه‌ساز.

دولت زمينه‌ساز بايد به لحاظ مباني، رسالت‌، اهداف، راهبردها، سياست‌ها، ساختار، کارگزاران و راهکارها، هم‌افق و هم‌سو با دولت کريمه مهدوي باشد و دکترين ظهور را اساس کار خود قرار دهد. استخراج و تدوين اين همه، کاري گروهي و بر عهدة نخبگان حوزوي و دانشگاهي و برنامه‌ريزان راهبردي و استراتژيست‌هاي نظام است.

به عنوان پيش‌درآمدي بر اين کار سترگ و ضروري، نکاتي چند و نمونه‌اي عرضه مي‌شود:

1. با توجه به اهداف و سيره امام(ع) و ياران او و دولت کريمه حضرت در عصر ظهور، مي‌توان اهداف، راهبردها، سياست‌ها و راهکارها را به دست آورد و در برخورد با حوادث و رخدادهاي جهاني و تعارض‌ها و تزاحم‌هاي پيش‌آمده، با تکيه بر منابع غني شيعه و اجتهاد پوياي آن، اولويت‌ها را در نظر گرفت.

2. دولت زمينه‌ساز بايد براي گسترش و تعميق فرهنگ مهدوي در سطح داخلي و جهاني (کشورهاي شيعي، اسلامي، غرب و خاور دور) برنامه‌ريزي کند و بداند که موفقيت هر يک در گرو ديگري است و بدون موفقيت يکي، موفقيت ديگري را نمي‌توان چشم داشت.

3. هم‌چنان‌که اشاره شد، اساس کار دولت زمينه‌ساز، دکترين ظهور است. که به آن و به اهداف فرهنگي، سياسي، اجتماعي و اقتصادي حضرت، در شماره آينده خواهيم پرداخت (ان‌شاءالله). در اين‌‌جا، به مناسبت فرارسيدن ايام انتخابات، به برخي معيارها و شاخص‌هاي مديران و کارگزاران دولت زمينه‌ساز مي‌پردازيم:

1. بينش عميق نسبت به حق تعالي و اطاعت او

رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصارالمهدي في آخرالزمان؛[3]

مرداني که خدا را آن چنان که بايد، شناخته‌اند، ياوران مهدي(ع) در آخرالزمان‌اند.

رجال کانّ قلوبهم زبرالحديد لايشوبها شکّ في ذات الله أشدّ من الحجر؛[4]

آنان مرداني‌اند که گويا دل‌هايشان پاره‌هاي آهن است و از سنگ سخت‌ترند و هيچ ترديدي در ذات خداوند ندارند.

فهم الذين وحّدوا الله حق توحيده؛[5]

آنان به وحدانيت خداوند، آن‌چنان‌که حق وحدانيت اوست، اعتقاد دارند.

هم [اصحاب المهدي(ع)] هم الذين قال الله فيهم ((...يحبهم و يحبونه[6]))؛[7]

ياران مهدي كساني هستند كه خداوند در وصف آنان چنين فرموده است: ...خداوند دوستدار ايشان است و ايشان نيز دوستدار خداوندند.

مجدّون في طاعة الله؛[8]

در راه اطاعت خدا پر تلاش‌اند.

رجال الهيون؛[9]

آنان مرداني خدايي‌اند.

2. معرفت، محبت و اطاعت امام(ع)

القائلين بامامته؛[10]

معتقد به امامت او هستند.

يتمسّحون بسرج الامام يطلبون بذلک البرکة؛[11]

براي تبرک بر زين اسب امام، دست مي‌کشند.

هم اطوع من الامة لسيدها؛[12]

اطاعت آنان از امام، از فرمان‌برداري کنيز در برابر مولايش بيشتر است.

مجدّون في طاعته؛[13]

در راه اطاعت او، از هيچ کوششي دريغ نمي‌ورزند.

بهم ينصرالله امام الحق؛[14]

خداوند به وسيله ايشان، رهبر حق (مهدي(ع)) را ياري مي‌کند.

ان الله تبارک و تعالي أعطاهم من العقول والافهام والمعرفة ماصارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة؛[15]

خداوند تبارک و تعالي آن قدر به آنان از عقل و فهم و بينش، ارزاني داشته که غيبت امام در نزد آنها به مانند مشاهده و ديدار اوست.

طوبي للصابرين في غيبته، طوبي للمقيمين علي محجّتهم؛[16]

خوشا به حال صابران در غيبت مهدي(ع) ، خوشا به حال آنان‌که بر راه اهل‌بيت ثابت قدم مي‌مانند.

طوبي للصابرين في غيبته، طوبي للمقيمين في محبّته؛[17]

خوشا به حال صابران در غيبت او، خوشا به حال دوستداران او.

3. فنا در امام و آرمان‌هاي او

فأبذل نفسي و مالي و ولدي و أهلي و جميع ما خوّلني ربّي بين يديک و التصرف بين أمرک و نهيک؛[18]

[مولاي من!] جان، مال، فرزندان، خويشان و هر آنچه را خداوند بر من ارزاني داشته، به پيش‌گاهت نثار مي‌کنم و همه را در اختيار امر و نهي تو مي‌گذارم.

يحفّون به و يقونه بأنفسهم في الحروب و يکفّونه ما يريد؛[19]

ياران مهدي(ع) او را در ميان مي‌گيرند و در جنگ‌ها با جان خويش از او حمايت و حفاظت مي‌کنند و هر چه بخواهد از جان و دل انجام مي‌دهند.

رحم‌الله من حبس نفسه علينا رحم الله عبداً احيا امرنا؛[20]

خدا رحمت کند کسي که خود را وقف ما کند، خدا رحمت كند كسي را كه امر [ولايت] ما را زنده كند.

... الذين سلَوا عن الاهل و الاولاد، وجَفَوا الوطن، و عطّلوا الوثير من المهاد، ورفضوا تجاراتهم، و أضرّوا بمعايشهم، و فُقدوا في أنديتهم بغير غيبة عن مصرهم، و خالّوا البعيد ممّن عاضدهم علي أمرهم، و قَلُوا القريب ممّن صدّ عن وجهتهم، فائتلفوا بعد التّدابر و التّقاطع في دهرهم، و قطعوا الأسباب المتّصلة بعاجل حُطام الدّنيا؛[21]

... آنان (ياران مهدي(ع)) کساني هستند که از خانواده و فرزندانشان دست کشيدند، و وطن را ترک کردند، و از بستر و خواب آرام گذشتند، و تجارت‌ها و بازرگاني خود را رها کردند، و به کسب و کار خويش ضرر و زيان وارد کردند، و بدون پنهان شدن از شهرشان در مجالس و محافل مهمشان پيدايشان نشد، و با افرادي که نسبتي نداشتند، براي کمک و ياري‌ رساندن در کارشان، رابطه دوستي برقرار کردند، و نزديکاني را که سدّ راهشان مي‌شدند، کنار گذاشتند، و پس از آن همه اختلاف و دشمني و قطع رابطه در روزگارشان، گروهي تشکيل دادند، و همه وسيله‌هايي را که به خار و خاشاک زودگذر دنيا بسته شده بود، از بيخ و بن برکردند.

اما إنّي لو أدرکت ذلک لأبقيت نفسي لصاحب هذا الامر؛[22]

آگاه باشيد که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب اين امر مي‌کردم.

4. سجاياي اخلاقي

سيره امام:

يشير بالتقي و يعمل بالهدي؛[23]

تقوا را پيشه خود مي‌سازد (دعوت به تقوا مي‏كند) و با بصيرت و هدايت، گام بر مي‏دارد.

يحذو فيها علي مثال الصالحين؛[24]

او به گونه نيکان رفتار مي‌نمايد.

الوليّ الناصح؛[25]

سرپرست خيرخواه.

اگر سيرة امام چنين است، پس ياران او بايد اين چنين باشند.

سيره ياران:

... وانتخبت لذلک الوقت عباداً امتحنتُ قلوبهم لِلايمان وحشوتُها بالورع و الاخلاص واليقين و التقوي والخشوع والصدق و الحلم و الصبر والوقار والتقي والزهد...؛[26]

... و براي اين زمان (ظهور) بندگاني را برگزيدم که دل‌هاشان را به ايمان آزمودم و آنان را از ورع، اخلاص، يقين، پارسايي، خشوع، راستي، صبر، شکيبايي و وقار، پرهيز و زهد، سرشار کردم.

من سرّه أن يکون من اصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛[27]

هر کس مي‌خواهد از ياوران حضرت قائم باشد، بايد انتظار کشد، و در همين حال، خود را به تقوا و سجاياي اخلاقي بيارايد.

فليعمل کلّ امرء منکم بما يقرب به من محبتنا؛[28]

هر يک از شما آن کاري را بکند که انجام آن، او را به ما نزديک مي‌کند.

5. ساده‏زيست و مردمي

سيره امام:

و يشترط علي نفسه ان يمشي حيث يمشون و يلبس کما يلبسون و يرکب کما يرکبون و يکون من حيث يريدون و يرضي بالقليل... و لايأخذ حاجباً و لابوّابا؛[29]

او نيز در حقّ خود تعهد مي‌کند که از راه آنان برود، جامه‌اي چون جامه آنان بپوشد، مرکبي چون مرکب آنان سوار شود، آن‌گونه که مردم مي‌خواهند باشد و به کم قانع شود و براي خود دربان و نگهبان اختيار نکند.

لايضع حجراً علي حجرٍ؛[30]

سنگي روي سنگ نگذارد (از متاع دنيا چيزي برنگيرد).

فوالله ما لباسه إلاّ الغليظ و لا طعامه الاّ الجشب؛[31]

به خدا سوگند که لباس او (مهدي(ع)) جز پوشاکي درشت، و خوراک او جز غذايي سخت و بي‌خورش، نيست.

صاحب هذاالامر يتردّد بينهم و يمشي في اسواقهم و يطأ فرشهم؛[32]

صاحب اين امر در ميان آنان راه مي‌رود، در بازارهايشان گام بر مي‌دارد و به خانه‏هاي آنان پا

مي‏گذارد.

سيره ياران:

انه يأخذ البيعة عن اصحابه أن لايکنزوا ذهباً و لا فضّة و لابرّاً و لاشعيراً و يلبسون الخشن من الثياب؛[33]

او از يارانش بيعت مي‌گيرد که طلا و نقره‌اي نيندوزند و گندم و جويي ذخيره نکنند و لباس خشن بپوشند... .

امام صادق(ع) در بيان آيه G...و من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها و ما له في الآخرة من نصيبF[34] ((‏...و كسي كه حاصل دنيا را مي‏طلبد كمي از آن به ا و خواهيم داد امّا در آخرت برايش هيچ بهره‏اي نخواهد بود.)) فرمود:

ليس له في دولة الحق مع القائم نصيب؛[35]

در دولت حق حضرت قائم هيچ بهره‏اي نخواهد داشت.

6. عدالت‌خواهي

سيره امام:

يملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛[36]

زمين را پر از عدل و داد خواهد کرد، هم‌چنان‌که پر از ظلم و بيداد شده است.

فيريکم کيف عدل السيرة؛[37]

پس (مهدي(ع)) به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه (در حکومت) چگونه است.

سيره ياران:

اللهمّ واملاء بهم کلّ افق من الآفاق و قطرٍ من الاقطار قسطاً و عدلاً و مرحمة و فضلاً!؛[38]

بار الها! به وسيله ايشان (ياران مهدي(ع)) تمام افق‌هاي هستي و تمام گوشه‌ها و اقطار جهان را پر از داد و عدل و مهرباني و احسان خود گردان!

7. جهادگري و شهادت‌طلبي

يدعون بالشهادة و يتمنّون أن يقتلوا في سبيل‌الله؛[39]

براي شهادت دعا مي‌کنند و آرزوي کشته شدن در راه خدا را دارند.

امام علي(ع) در تفسير آيه Gيجاهدون في سبيل اللهF[40] فرمود:

هم أصحاب القائم؛[41]

آنان ياران امام قائم‌اند.

وضعوا سيوفهم علي عواتقهم فيعطون ما شاؤوا؛[42]

(ياران حضرت) سلاح را بر شانه‏هاي خود مي‏نهند و در نتيجه آنچه مي‌خواستند، به ايشان داده شود.

و يجاهدون في الله حق جهاده؛[43]

و در راه خدا به جهادي شايسته دست يازند.

8 . شجاعت

کلّهم ليوثٌ قد خرجوا من غاباتهم لو أنهم همّوا بازالة الجبال لأزالوها عن مواضعها؛[44]

همه شيراني‌اند که از بيشه‌ها خارج شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا برمي‌کنند.

جُعلت قلوبهم کزبرالحديد؛[45]

دل‌هايشان، چون پاره‌هاي آهن شده است.

فانَّ الرجل منهم يُعطي قوة اربعين رجلاً؛[46]

به هر کدامشان، نيروي چهل مرد داده شده است.

9. قاطعيت

امام اميرالمؤمنين(ع) در تفسير آيه Gيا ايهاالذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه... لايخافون لومة لائمٍF؛[47] ((‏ ... آنان از سرزنش هيچ ملامت‌کننده‌اي هراس ندارند.)) فرمود:

هم اصحاب القائم؛[48]

آنان ياوران قائم‌اند.

10. اداي حقوق امام(ع)

وأعنّا علي تأدية حقوقه اليه؛[49]

خداوندا، ما را در اداي حقوق او ياري فرما!

انّه من اتّقي ربّه... و أخرج مما عليه إلي مستحقّيه کان آمناً في الفتنة المبطلة؛

همانا هر کس تقواي پروردگارش را پيشه کند... و از حقوق شرعيه (خمس و زکات) اي که بر عهده دارد، به مستحقان بپردازد، از فتنه‌هاي باطل کننده (دين و دنيا) در امان خواهد بود.

ان الرضا(ع) کان يأمر بالدعاء لصاحب الامر؛[50]

امام رضا(ع) همواره به دعا براي صاحب‌الامر، امر مي‌فرمود.

قوّنا علي متابعته و اداء حقه؛[51]

ما را قدرت بر پيروي و اداي حق آن حضرت ارزاني بفرما!

و انتظر الفرج صباحاً و مساءً؛[52]

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

اكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم؛[53]

براي تعجيل فرج بسيار دعا كنيد، همانا اين كار براي خودتان گشايش خواهد بود.

11. عشق به مردم و مستضعفان

سيره امام:

وهو اعظمُ حسباً و اكرم منصباً و أرحم بالرّعية؛[54]

او از همه حسب‏اش بزرگتر و مقام‏اش گرامي‏تر و به مردم مهربان‏تر است.

رحيم بالمساکين؛[55]

بر بينوايان رؤوف و مهربان است.

وأشفق عليهم من آبائهم و امّهاتهم؛[56]

او براي مردم از پدر و مادرشان مهربان‌تر است.

سيره ياران:

ليعن قويّکم ضعيفکم و ليعطف غنيکم علي فقيرکم... و اذا کنتم کما اوصيناکم لم تعدوا الي غيره فمات منکم ميّت قبل ان يخرج قائمنا کان شهيداً؛[57]

توانگران به ضعفا و بيچارگان ياري رسانند و به فقرا و مستمندان عطوفت ورزند ... و اگر چنين باشيد كه سفارش كرديم و قبل از قيام قائم ما بعضي از شما از دنيا برود، شهيد خواهد بود.

12. اهل تهجد و نماز شب

لهم في الليل أصوات کأصوات الثّواکل حَزناً من خشية الله؛[58]

در دل شب، از خشيت خداوند، ناله‌هايي دارند مانند ناله مادران پسر مرده.

قوّام بالليل صوّام بالنهار؛[59]

شب‌ها را با عبادت به صبح مي‌رسانند و روزها را با روزه به پايان مي‌برند.

رجالٌ لاينامون الليل لهم دويّ في صلواتهم کدويّ النّحل يبيتون قياماً علي اطرافهم و يصبحون علي خيولهم؛[60]

مردان شب زنده‌داري که زمزمه نمازشان، مانند نغمه زنبوران کندو، به گوش مي‌رسد. شب‌ها را با زنده‌داري سپري مي‌کنند و بر فراز اسب‌ها، آن را به صبح مي‏رسانند.

13. اعتقاد راسخ به فرهنگ مهدويت و زمينه‏سازي براي ظهور(براساس دکترين ظهور)

من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية؛[61]

کسي که بميرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلي مرده است.

من انکر القائم من ولدي في زمان غيبته فمات فقد مات ميتة جاهلية؛[62]

کسي که قائم از فرزندان مرا در غيبتش تکذيب کند، به مرگ جاهلي مرده است.

من أنکر خروج المهدي فقد کفر بما أنزل علي محمد(ص)؛[63]

کسي که قيام مهدي را انکار کند، همانا به آنچه بر محمد(ص) نازل شده، کافر شده است.

اللهم عرّفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني... ولاتنسنا ذكره وانتظاره والايمان به و قوّة اليقين في ظهوره و الدعاء له والصلاة عليه؛[64]

بارالها! حجتت را به من بشناسان، زيرا اگر او را به من نشناساني، از دين‏ام، گمراه مي‏گردم ... و از ياد ما مبر ياد او و انتظارش را و ايمان به او و يقين به ظهورش را و دعا و درود بر حضرتش را.

السلام عليك يا باب الله الذي لايؤتي الاّ منه، السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غيره هلك؛[65]

سلام بر تو اي درگاه خدا، كه هيچكس جز از آن درگاه به خدا راهي ندارد. سلام بر تو اي راه خدا كه هر كس غير آن را رود، هلاك مي‏شود.

بيمنه رزق الوري وبوجوده ثبتت الارض والسماء؛[66]

به بركت اوست كه آفريدگان روزي داده مي‏شوند و به وجود اوست كه آسمان و زمين پايدار مي‏ماند.

يخرج ناس من المشرق فيوطئون للمهدي يعني سلطانه؛[67]

مردمي از مشرق زمين قيام مي‏كنند و زمينة [حكومت] آن حضرت را فراهم مي‏سازند.

انّا نرغب اليك في دولة كريمة تعزّ بها الاسلام واهله؛[68]

خدايا! از تو اميدواريم كه دولت با كرامت امام زمان را به ظهور آوري و اسلام و اهلش را با آن عزت بخشي.

اللهمّ انّا نشكوا اليك فقد نبيّنا صلواتك عليه و آله و غيبة وليّنا؛[69]

بارالها! به درگاه تو شكايت مي‏كنيم از نبود پيامبرمان و از غيبت وليّ و اماممان.

و اصرف عنّا في امره السأمة والكسل والفترة والفشل؛[70]

و در انجام فرمان او ما را به تنبلي، بي حالي، سستي و بي‏حوصلگي مبتلا مساز.

السلام عليك يا قطب العالم؛[71]

سلام بر تو اي قطب جهان هستي.

14ـ برخاسته از متن مردم و مستضعفان

((و نريد أن نمنّ علي الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين))؛[72]

ما مي‌خواهيم بر آنان که در زمين خوارشان شمرده‌اند، منّت نهيم و آنان را پيشوايان (مردم) گردانيم و ايشان را وارث زمين کنيم.

15. پيروي از ولي فقيه

و أمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلي رواة حديثنا فانّهم حجتي عليکم و أنا حجة الله عليکم؛[73]

و امّا در مورد رخدادهاي جديد، به راويان حديث ما رجوع کنيد که ايشان حجّت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم.

16. عشق به قرآن و تفسير

تجلي بالتنزيل بصائرهم و يرمي بالتفسير في مسامعهم و يغبقون کأس الحکمة بعد الصبوح؛[74]

با آيات قرآن چشمشان روشن مي‌شود و تفاسير آيات را با گوش جان مي‌شنوند و هر روزه جام حکمت را مي‌نوشند.

17. جوان‌گرايي

اصحاب المهدي شبابٌ لاکُهول فيهم الا مثل کُحلِ العين والملح في الطعام و اقل الزاد الملح؛[75]

ياران قائم همه جوان هستند، در ميان آنها پيرمرد يافت نمي‌شود، مگر اندکي مانند سرمه به چشم و نمک در طعام و کمتر از هر ماده‌اي در طعام، نمک است.

18. سختكوشي

مجدّون في طاعة الله؛[76]

آنان در طريق عبوديت، سختكوش و پرتلاشند.

لايكفّون سيوفهم حتي يرضي الله عزّوجلّ؛[77]

ياران قائم، شمشيرهاي خود را بر زمين ننهند تا اينكه خداي عزوجل راضي شود.

لوقد خرج قائمنا، لم يكن الاّ العلق والعرق، والنوم علي السروج؛[78]

هنگامي كه قائم ما خروج كند، خون است و عرق ريختن و سوار مركب بودن در ميدان‏هاي مبارزه.

19. عاشورايي

انّ شعار اصحاب المهدي: يا لثارات الحسين؛[79]

شعار ياران مهدي(ع): اي خونخواهان حسين(ع) است.

20. فروتني در برابر انسان و گردن فرازي در مقابل كافران

هم [اصحاب المهدي(ع)] الذين قال الله فيهم ((فسوف يأتي الله بقوم يحبّهم و يحبّونه اذلة علي المؤمنين اعزّة علي الكافرين[80]))؛[81]

ياران مهدي كساني هستند كه خداوند در توصيف آنان چنين فرموده است: [اي كساني كه ايمان آورده‏ايد! هر كس از شما كه از آيين خود بازگردد بداند كه] خداوند به زودي، قومي را بر مي‏انگيزاند كه ايشان را بسيار دوست مي‏دارد و آنها نيز خداوند را دوست مي‏دارند و در برابر مؤمنان فروتن و در مقابل كافران عزيز و مقتدرند.

21. سلمان‏وار و مالك‏گونه

اذا قام قائم آل محمد استخرج من ظهر الكعبة سبعة وعشرين رجلاً..... سلمان الفارسي و ابا دجانة الانصاري و مالك الاشتر؛[82]

هنگامي كه قائم آل محمد قيام كند ..... [از جمله كساني كه به او مي‏پيوندند] سلمان فارسي، ابودجانه انصاري و مالك اشتر است.

------------------

پي نوشت ها

[1] . ((‏ رسول خدا(ص) فرمود: مردمي از مشرق زمين قيام مي‌کنند و براي حضرت مهدي(عج) زمينه‌سازي مي‌کنند (يعني زمينه حکومت و سلطنت آن حضرت را فراهم مي‌‌سازند))). سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1368، ح 4088؛ عقدالدرر، ص 125؛ الحاوي للفتاوي، ج 2، ص60؛ بحارالانوار، ج 51، ص 87 (هذا حديث حسن صحيح روته الثقات و الأثبات أخرجه الحافظ أبو عبدالله بن ماجه القزويني في سننه).

[2] . ((‏ نعيم بن حمّاد از محمد بن حنفيه [از اميرالمؤمنين(ع)] نقل مي‌کند: پرچمي از خراسان (ايران) بيرون مي‌آيد، [حاملان اين پرچم] اصحاب سفياني را شکست مي‌دهند تا اين‌که به بيت‌المقدس مي‌رسند و زمينة حکومت مهدي(عج) را فراهم مي‌سازند.)) الملاحم والفتن، ص 52، ب 72، موسسة الوفاء.

[3] . امام اميرالمؤمنين(ع) : كشف الغمة، ج 2، ص 478؛ منتخب الاثر، ص 611.

[4] . امام صادق(ع) : بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[5] . امام اميرالمؤمنين(ع) : يوم الخلاص، ص 234 (به نقل از بشارة الاسلام، ص 220).

[6]. مائده، 54.

[7]. امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 370.

[8] . پيامبر اکرم(ص) : يوم‌الخلاص، ص 233 (به نقل از بشارة الاسلام، ص 9).

[9] . امام اميرالمؤمنين(ع) : يوم الخلاص ص 226 (به نقل از بشارة الاسلام، ص 297).

[10] . امام سجاد(ع) : احتجاج طبرسي، ج 2، ص 317.

[11] . امام صادق(ع) : بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[12] . امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[13] . پيامبر اکرم(ص) : كمال‏الدين، ج 1، ص 268.

[14] . امام صادق(ع) : بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[15] . امام سجاد(ع): کمال‌الدين، ص 320.

[16] . پيامبر اکرم(ص) : بحارالانوار، ج 52، ص 143 (به نقل از كفاية الاثر، ص 56).

[17]. ينابيع المودة، ج 3، ص 101.

[18] . مفاتيح الجنان، زيارت حضرت صاحب الامر(عج) ؛ مصباح كفعمي، ص 495؛ بحارالانوار، ج 99، ص 118.

[19] . اميرالمؤمنين(ع): الملاحم و الفتن، ص 52.

[20] . امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 126.

[21] . دعاي قنوت امام عسکري(ع) : صحيفه مهديه، ص 168؛ بحارالانوار، ج 82، ص 223؛ مصباح المتهجد، ص 161.

[22] . امام صادق(ع): غيبت نعماني، ص 273؛ بحارالانوار، ج 52، ص 243.

[23] . امام صادق(ع): همان، ج 52، ص 269.

[24] . امام اميرالمومنين(ع): نهج‌البلاغه، خطبه 150.

[25] . مفاتيح الجنان، زيارت حضرت صاحب‌الامر(عج)؛ احتجاج طبرسي، ج 2، ص 494.

[26] . بحارالانوار، ج 52، ص 384، (سيد بن طاووس به نقل از صحف ادريس).

[27] . امام صادق(ع): غيبت نعماني، ص 200؛ بحارالانوار، ج 52، ص 140.

[28] . امام زمان(عج) : احتجاج طبرسي، ج 2، ص 599.

[29] . امام اميرالمؤمنين(ع): منتخب الاثر، ص 469.

[30] . پيامبر اکرم(ص): الملاحم والفتن، ص 108.

[31] . امام صادق(ع): غيبت نعماني، ص 122؛ بحارالانوار، ج 52، ص 354.

[32] . امام صادق(ع): غيبت نعماني، ص 84؛ بحارالانوار، ج 51، ص 108.

[33] . امام اميرالمؤمنين(ع): منتخب الاثر، ص 570.

[34]. شوري، 20.

[35]. كافي، ج 1، ص 435؛ معجم احاديث الامام المهدي(عج)،، ج 5، ص 396.

[36] . امام صادق(ع): غيبت شيخ طوسي، ص 52.

[37] . امام اميرالمؤمنين(ع): نهج‌البلاغه، خ 138.

[38] . دعاي قنوت امام حسن عسکري(ع): مصباح المتهجد، ص 161؛ صحيفه مهديه، ص 168 و 169.

[39] . امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[40] . سوره مائده، آيه 54.

[41] . منتخب الاثر، ص 475.

[42] . امام صادق(ع): غيبت نعماني، ج 50، ب 14؛ بحارالانوار، ج 52، ص 243.

[43]. امام اميرالمؤمنين(ع): منتخب الاثر، ص 580.

[44] . امام اميرالمؤمنين(ع): يوم‌الخلاص، ص 224 (به نقل از بشار?‌الاسلام، ص 220).

[45] . امام سجاد(ع): يوم‌الخلاص، ص 228 (به نقل از بشار?‌الاسلام، ص 24).

[46] . همان.

[47] . سوره مائده، آيه 54.

[48] . منتخب‌الاثر، ص 475.

[49] . امام صادق(ع): دعاي ندبه.

[50] . يونس بن عبدالرحمان: بحارالانوار، ج 92، ص 330.

[51]. صحيفه مهديه، ص 318، (به نقل از اقبال الاعمال، ص 448).

[52]. امام صادق(ع): بحار، ج 52، ص 133.

[53]. امام زمان(ع): كمال‏الدين، ج 2، ص 485.

[54] . پيامبر اكرم(ص): عقدالدرر، ص 204.

[55] . امام صادق(ع): الملاحم والفتن، ص 137.

[56] . امام رضا(ع): الزام الناصب، ص 10.

[57] . امام باقر(ع): امالي شيخ طوسي، ص 231؛ منتخب الاثر، ج 3، ص 238.

امام راحل; نيز در نامه‏اي به مرحوم حاج احمدآقا در اهميت رسيدگي به حال محرومان و مستمندان، چنين سفارش مي‏كند: ((‏از امور مهمي كه لازم است وصيت نمايم؛ اعانت نمودن به بندگان خدا خصوصاً محرومان و مستمندان كه در جامعه‏ها مظلوم و بي‏پناهند. هرچه توان داري در خدمت اينان كه بهترين زاد راه توست و از بهترين خدمت‏ها به خداي تعالي و اسلام عزيز است به كار بر و هر چه تواني در خدمت مظلومان و حمايت آنان در مقابل مستكبران و ظالمان كوشش كن.)) (صحيفة امام، ج 16، ص 224).

[58] . امام صادق(ع): يوم الخلاص، ص 224 (به نقل از بشارة الاسلام، ص 220).

[59] . همان.

[60] . بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[61] . پيامبر اکرم: كمال‏الدين، ج 2، ص 409؛ وسايل الشيعة، ج 16، ص 246؛ مسند احمد، ج 1، ص 416؛ صحيح مسلم، كتاب الامارة، ص22. شايان ذكر است كه اين روايت از احاديث متواتره بين شيعه و اهل سنت است.

[62] . پيامبر اکرم(ص): كمال‏الدين، ج 2، ص 412؛ بحارالانوار، ج 51، ص 73.

[63] . ينابيع المودة، ج 2، ص 108.

[64]. اصول كافي، ج 1، ص 337؛ صحيفه مهديه، ص 356؛ مصباح المتهجد، ص 411.

[65]. مفاتيح، زيارت حضرت صاحب الامر(عج) .

[66]. مفاتيح الجنان، دعاي عديله.

[67]. پيشين (رجوع شود به ابتداي مقاله).

[68]. مفاتيح‏الجنان، دعاي افتتاح.

[69]. همان.

[70]. امام رضا(ع): صحيفه مهديه، ص 353؛ (به نقل از جمال‏الاسبوع، ص 310-314).

[71]. صحيفه مهديه، ص 582 (به نقل از المجموع الرائق، ج 1، ص 451).

[72] . سوره قصص، آيه 5.

[73] . غيبت شيخ طوسي، ص 291 (گفتني است که اين روايت در کمال‌الدين، ج 2، ص 484 و بحارالانوار، ج 53، ص 181 به اين صورت آمده است: ((‏و أنا حجة‌الله عليهم)) و در احتجاج طبرسي، ج 2، ص 543 و وسائل الشيعه، ج 18، ص 101 ((‏و انا حجةالله)) آمده است، بدون ((‏عليهم)) و ((‏عليکم))).

[74] . پيامبر اکرم(ص): ينابيع المودة، ج 3، ص 95 و 37.

[75] . امام اميرالمؤمنين(ع): غيبت شيخ طوسي، ص 476؛ بحارالانوار، ج 52، ص 334.

[76]. پيامبر اكرم(ص): يوم الخلاص، ص 223 (به نقل از بشارة الاسلام، ص 9).

[77]. امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 327.

[78]. امام رضا(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 359.

[79]. امام صادق(ع): مستدرك الوسايل، ج 1، ص 47؛ بحارالانوار، ج 52، ص 308.

[80]. مائده، 54.

[81]. امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 370 (به نقل از معاني الاخبار).

[82]. امام صادق(ع): بحارالانوار، ج 52، ص 346 (به نقل از تفسير عياشي).